



تأثیر پیری جمعیت بر اقتصاد، یک چشم انداز اروپایی

ترجمه: الهام میر تهامی

کارشناس پژوهشکده امور اقتصادی

امروزه بحث پیری جمعیت یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در مباحث بیمه ای به آن توجهی خاص شده است. چرا که پیری جمعیت اثرات خسارت بار زیادی بر بیمه های درمان، عمر و حوادث دارد. این امر خود سبب افزایش مخارج دولت ها از طریق پرداخت مستمری، بازنشستگی، از کارافتادگی و ... می باشد. این امر اکنون یکی از ارکان چهارگانه مهم تحقیقات در معتبرترین مرکز تحقیقاتی اقتصاد بیمه جهان یعنی جنوا سوسایشن (Geneva Association) می باشد که نظر به اهمیت این قضیه در این شماره به ترجمه ای در این خصوص که تجربه کشورهای اروپایی است، می پردازیم.

ایجاد درآمد و ذخیره گیری آن (مخارج دولتی و رشد اقتصادی کل تأثیر می گذارد.

از نظر تئوری، جمعیت های پا به سن گذاشته در اروپا سالانه می توانند در حدود ۰/۴ درصد

از دوران ازدیاد جمعیت تا دوران کاهش
شمار متولدین

جمعیت اروپا رو به پیری می رود و این امر بر سیستم های بازنشستگی (پرداخت مستمری یکجا،

رشد سرانه تولید ناخالص داخلی را کاهش دهند. به هر حال این امر را باید بدترین سناریو در نظر گرفت، اما این احتمال هم هست که برخی از این فرضیات زیربنایی به طور کامل تحقق نپذیرند. حدود دو سوم از تأثیرات بالقوه منفی برای اروپا از کاهش سریع نیروی کار نسبت به جمعیت ناکارآمد (Non - working population) ناشی می شود.

نتیجه این که اگر اروپا به اصلاحاتش ادامه دهد، به ویژه در زمینه حقوق بازنشستگی و بازارهای کار، در این صورت پیری جمعیت نباید هیچ گونه تأثیری روی اقتصاد داشته باشد. بزرگترین چالش سیاسی این است که ما نمی توانیم مردم را متقاعد کنیم که عمر طولانی داشته باشند، اما کمتر کار کنند و دستمزد کمتری نیز دریافت کنند. این امر به معنای پایین آوردن سطح زندگی کارگران و یا بازنشستگان است. ترکیب صحیح میان اصلاحات بودجه ای و بازار کار می تواند نرخ های رشد اقتصادی را نسبت به تجربه های گذشته اروپا در این زمینه شدت بخشد.

اولین پیام ما این است که مشکل واقعی تأثیر بر سیستم های بازنشستگی پرداخت مستمری یکجا ایجاد درآمد نیست، بلکه تأثیر روی کل اقتصاد است. اگر شما بتوانید تأثیرهای منفی پیری جمعیت را روی کل اقتصاد در نظر نگیرید، این احتمال وجود دارد که بتوانید بسیاری از مشکلات دیگر را حل و فصل کنید.

پیام دوم این است که ما عقیده داریم در بازارهای کار انعطاف پذیر پیری جمعیت باید منجر به کاهش اشتغال و افزایش مشارکت نیروی کار شود، بدون اینکه دولت در این امر مداخله بسیاری داشته باشد. ترکیب میان کاهش بیکاری و افزایش مشارکت نیروی کار تقریباً می تواند به طور کامل تأثیر منفی جمعیت های پا به سن گذاشته بر اقتصاد را جبران کند.

در زمان برقراری اجلاس انجمن اروپا در لیزبن در مارس ۲۰۰۰ رهبران اروپا به منظور تقویت اشتغال، اصلاح اقتصادی و همبستگی اجتماعی به عنوان بخشی اقتصاد بر مبنای آگاهی با یک هدف استراتژیک نوین برای اتحادیه اروپا موافقت کرد تا افزایش در نرخ مشارکت را هدف قرار داده و به احتمال زیاد آن را تا سال ۲۰۱۰ از ۶۱ درصد امروز به ۷۰ درصد برسانند. گرچه این امر نشان می دهد که اروپا این چالش را پذیرفته است، اما هنوز تنظیم اهداف ملی و اجرای استراتژی های خاص در جهت رسیدن به این گونه اهداف به عهده تک تک کشورهای عضو اتحادیه اروپا است.

یک سوم دیگر تأثیر منفی ناشی از پیری و کمهولت جمعیت بر اقتصاد از طریق تأثیرات بودجه ای به وجود می آید. اروپا از قبل نظارت های بودجه ای شدیدی اجرا کرده است و کل بدهی نسبت به تولید ناخالص داخلی برای ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا از حدود ۷۲ درصد از تولید ناخالص داخلی در

سال ۱۹۹۵ به حدود ۶۳ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱ کاهش یافته است. اگر اروپا همچنان به پیمان رشد و ثبات (Stability and growth pact) وفادار بماند، تداوم اصلاحات بازنشستگی به همراه افت اندک در سطح بلند نظری سیستم های بازنشستگی عمومی مشمول، در چارچوب اصلاحات حائز اهمیت می باشد. بنابراین افزایش متوسط سن بازنشستگی در حدود چند سال در اروپا از مهم ترین اصلاحات به شمار می رود. بدون این افزایش، نظارت بر بودجه های بازنشستگی و بودجه کل مشکل خواهد بود و در این حالت افزایش موثر و کارآمد در نرخ مشارکت نیروی کار ممکن نخواهد شد.

الگوهای اقتصادی نشان می دهند که با ترکیب میان اصلاحات بازار کار و اصلاحات بودجه ای این امکان هست تا سطوح زندگی حتی به سطحی فراتر از سطحی که ما طی دهه های گذشته انتظار داشته ایم، افزایش یابد. در این تحقیق در نظر گرفتن تاثیر

جمعیت های پیر بر اقتصاد سبب دوری از این حقیقت نمی شود که برخی کشورها در اروپا نسبت به سایرین اصلاحات گسترده تری انجام می دهند. این در واقع زاویه دید مثبتی در روش تحقیقی به شمار می رود. اصلاح بارز کار سهم است. ما عقیده داریم که آن دسته از کشورهایی که قادر به اجرای اصلاحات گسترده بازار کار هستند، یعنی اصلاحاتی که منجر به کاهش بیکاری ساختاری و افزایش نرخ مشارکت

نیروی کار می شوند، نباید تحت تاثیر اثرهای سوء ناشی از پیری جمعیت واقع شوند.

اغلب این گونه بحث می شود که هم اکنون نسل دوران ازدیاد جمعیت در مسیر نخستین سال های درآمدی اش در حال حرکت است که این امر باعث شکوفایی اقتصاد و همچنین بازار بورس می شود. در واقع زمانی که این نسل بازنشسته می شود، با استدلالاتی مشابه می توان انتظار داشت که رشد اقتصادی کمتر و مشکلات محیط بازار بورس بیشتر خواهد شد. با نگاهی گسترده به برخی از استدلالات پشت این تئوری می توان به دو نتیجه رسید: اول اینکه مستندات در این زمینه وجود ندارد که تاثیر دوران ازدیاد جمعیت منجر به شکوفایی اقتصادی و بازار بورس شود. در این زمینه شواهد اندکی در اروپا نسبت به آمریکا یافت می شود. دوم اینکه، شواهد بسیاری در کشورهای چون آمریکا و هلند - کشورهایایی که بازار کارشان را اصلاح کرده اند - هست که نشان می دهد بازار کار به طور طبیعی در برابر تغییرات واکنش نشان داده است. در نتیجه انتظار می رود که بازارهای کار در این کشورها در برابر پیری جمعیت نیز واکنش طبیعی نشان دهند که این به معنای کاهش بیکاری و افزایش نرخ مشارکت نیروی کار است.

از نظر تئوری نسل دوران ازدیاد جمعیت هم اکنون در سال های اولیه پس اندازشان هستند. آنها در مسیر حرفه و درآمدشان به نقطه اوج رسیده اند،

بچه هایشان از نظر مالی مستقل هستند، میزان رهن مسکن شان را به حداقل رسانده اند و در حال حاضر باید پس انداز داشته باشند. این رونق در پس اندازها اقتصاد و بازارهای دارایی امروز را تحریک می کند. زمانی که نسل دوره ازدیاد جمعیت بازنشسته می شود، پس اندازهایشان را مصرف خواهند کرد که در این حالت رشد اقتصادی به کندی پیش می رود و بازارهای دارایی سقوط خواهند کرد. البته این در حد یک فرضیه است. اخبار خوب در واقع این است که نرخ های پس انداز طی ۱۰ سال گذشته کاهش یافته اند و ما مطمئن نیستیم که نرخ پس اندازها در آینده چگونه خواهند بود.

۱- پیش گفتار

”در اینجا بحران افزایش سن جمعیت وجود ندارد. اگرچه بیشتر کشورها هم اکنون سانس انتقال های چشمگیر جمعیتی می شوند، اما صحبت پیرامون بحران افزایش سن جمعیت اغراق آمیز است. در واقع مکانیزم های بازخوردی مختلفی وجود دارند که اثرات جبرانی به وجود می آورند.“ ریچارد دیسنی (Richard Disney) می گوید: ما می توانیم از عهده عواقب ناشی از پیری جمعیت برآیم؟

توجه به این گونه مفروضات که جمعیت های پا به سن گذاشته بر سیستم های بازنشستگی دولتی در بیشتر کشورهای جهان تاثیر خواهد گذاشت، عمومیت بسیاری دارد. اکثر سیستم های بازنشستگی دولتی بر مبنای پرداخت نقدی تامین می شوند یعنی

کارگران امروز در حال پرداخت برای حقوق بازنشستگی بازنشستگان امروز هستند. همچنان که انتظار می رود شمار بازنشستگانی که از این سیستم ها حقوق دریافت می کنند نسبت به افرادی که با درآمدهای این سیستم را تامین می کنند، مرتباً رو به افزایش است، این ضرورت ایجاب می کند تا کمک های بازنشستگی به طور اساسی افزایش یا پرداخت های بازنشستگی کاهش یابند. راه دیگر این است که اگر هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفت، لازم است شکاف میان درآمد و هزینه توسط دولت تامین شود که این امر به نوبه خود منجر به افزایش سریع کسری بودجه می شود.

انتشارات مریل لینچ (Merrill Lynch)

مقاله های بسیاری در زمینه پیری جمعیت و مشکلات بازنشستگی به نگارش درآورده است: اصلاحات بازنشستگی اروپا سپتامبر ۱۹۹۹، اصلاح بازنشستگی در فرانسه آوریل ۲۰۰۰ و اصلاح بازنشستگی در آلمان ژوئن ۲۰۰۰. در ژانویه ۲۰۰۱ مریل لینچ گزارشی را تحت عنوان ”پیشرفت در اصلاحات بازنشستگی در اروپا“ منتشر کرد. در این گزارش همان طور که از عنوان آن پیدا است کشورهای عضو اتحادیه اروپا توانستند در مبارزه با تاثیرهای منفی پیری جمعیت بر سیستم های بازنشستگی دولتی شان به پیشرفت هایی نایل آیند. از این گزارش کاملاً آشکار است که اکثر دولت های عضو اتحادیه اروپا در حل و فصل این معضل به پیشرفت های بسیاری دست

یافته اند. حتی در مواردی چون عوامل وابسته غیرمستقیم مثل پایین آوردن سطح مالیات و بدهی کل موفقیت های بیشتری اعلام شد.

۱-۱- سن شدن افراد از یک گروه سنی روی سیستم بازنشستگی مستمر نیز (Funded pension systems) تاثیر عمده ای خواهد داشت.

با وجود تحقیقات بسیاری که پیرامون چگونگی تاثیر پیری جمعیت بر سیستم های بازنشستگی پرداخت نقدی و تضعیف تدریجی این سیستم انجام و منتشر شده است، اما هنوز فرض بر این است که سیستم جایگزین (سیستم تامین شده) نسبت به تغییرهای جمعیت مشابه حساسیتی ندارد. در اثر مریل لینچ با عنوان جمعیت شناختی و سیستم های بازنشستگی مستمر که در اکتبر سال ۲۰۰۰ منتشر گردید، پیرامون این مسئله به صورت تفصیلی بحث می شود و نشان می دهد که افراد پا به سن گذاشته در یک گروه سنی تاثیر عمده ای بر سیستم های بازنشستگی مستمر می گذارند.

در این راستا سه تاثیر جمعیتی مهم بر سیستم های بازنشستگی مستمر یا تامین شده قابل شناخت هستند:

۱. افزایش امید به زندگی هزینه سیستم های مستمر را بالا می برد. وقتی پرداخت حقوق بازنشستگی در درازمدت لازم باشد، مقادیر بیشتری باید انباشته گردد، بنابراین کمک هزینه بازنشستگی طی گذشت زمان افزایش خواهد یافت که این در

سیستم های دولتی پرداخت نقدی مسئله مهمی است.

۲. بعد از سال ۲۰۰۵ در بیشتر کشورها تعداد افرادی که وارد سیستم بازنشستگی می شوند و از سیستم های بازنشستگی حقوق دریافت می کنند به طرز چشمگیری افزایش خواهد یافت، به این ترتیب خالص جریان نقدی وجوه به سیستم ها کاهش پیدا خواهد کرد. حتی ممکن است که طی سال ۲۰۳۰ خالص جریان نقدی وجوه به صندوق های بازنشستگی منفی شود و آنها مجبور به فروش دارایی هایشان شوند.

۳. سومین تاثیر روی تخصیص دارایی است. این احتمال وجود دارد که در آینده در سبد دارایی صندوق های بازنشستگی سهام کمتر و درآمد ثابت و اسناد نقدی بیشتری وجود داشته باشد. مطابق با انتظار همانطور که تعداد بازنشستگان نسبت به تعداد افراد مشغول به کار رو به افزایش است سررسید پرداخت در کل صنعت صندوق بازنشستگی فرا می رسد و در نتیجه این سیستم به یک سیاست سرمایه گذاری بسیار محافظه کارانه نیازمند می شود.

۱-۲- تاثیر بر اقتصاد

در این مقاله حوزه فعالیت ها را کمی فراتر برده و پیرامون تاثیرهای ناشی از سن شدن جمعیت بر کل اقتصاد به بحث و گفتگو می پردازیم. ابتدا در مورد تاثیر دوران ازدیاد زاد و ولد یعنی دوره انفجار

جمعیت متولدین بین سال های ۱۹۴۵، ۱۹۶۰، بر اقتصاد امروز تحقیق می کنیم. اغلب این گونه بحث می شود، نسلی که هم اکنون در سال های نخستین درآمدی اش به سر می برد، مسئول پیشرفت های شدید اقتصادی در جهان غرب و رونق در بازارهای بورس جهانی است. بنابراین سوال مهم این است که اگر نسل دوران ازدیاد جمعیت یکی از دلایل مهم برای شکوفایی اقتصادی و بازار بورس است، پس وقتی آنها بازنشسته شوند چه اتفاقی خواهد افتاد ؟

پیری جمعیت بر مالیه عمومی بازار کار، تغییرات فن آوری و رشد بهره وری، رفتار سرمایه گذاری، پس انداز، بازارهای مالی و صندوق های بازنشستگی تاثیر می گذارد. به برخی از این موارد به صورت انفرادی اشاره می کنیم و سپس دو مطالعه اقتصادی را در نظر می گیریم که سعی در مرتبط ساختن این جنبه ها در یک مدل دارند. اگرچه در نظر گرفتن تمامی این جنبه ها بر یک مبنای تدریجی می تواند کاملاً نا امید کننده باشد، اما بر این باوریم که در کل وضعیت آن چنان هم بد نیست. در واقع اکثر جنبه های منفرد با هم مرتبط هستند لذا باید اخبار خوبی هم وجود داشته باشد. حقوق بازنشستگی، حال به صورت مستمر یا غیر مستمر، جمعیت شناختی و بازارهای کار، بازارهای مالی و مالیه عمومی در مجموع بخشی از یک سیستم مشابه اقتصادی و اجتماعی هستند و در واقع همان طور که مشکلات با هم مرتبط هستند، راه

حل های آنها نیز با هم مرتبط خواهند بود.

از نظر تئوری پیری جمعیت در ترکیب با جمعیت های رو به زوال بر رشد اقتصادی، انباشت ثروت، بازده دارایی و همچنین سیستم های بازنشستگی به صورت پرداخت های نقدی و ذخیره گیری آن تاثیر منفی دارد. به هر حال برای مقابله با این تاثیرهای منفی کارهای بسیاری می توان انجام داد و این خبر خوبی در این رابطه است.

هسته مرکزی مشکلات در این زمینه کاهش افراد مشغول به کار نسبت به تعداد افراد بازنشسته است. اگر ما قادر به انجام اصلاحاتی باشیم که منجر به عکس این روند شود، در این صورت می توانیم تاثیرهای منفی عمده ناشی از پیری جمعیت را نه تنها از اقتصاد بلکه از سیستم های بازنشستگی پرداخت نقدی و سیستم های بازنشستگی مستمر دور کنیم. تحقیقات انجام شده توسط کشورهای عضو همکاری اقتصادی و توسعه و کمیسیون اروپا نشان می دهد که با اعمال ترکیب صحیحی از اصلاحات از قبیل اصلاحات بودجه ای و بازار کار این امکان هست تا تاثیر منفی ناشی از پیری جمعیت بر اقتصاد را جبران کنیم.

۲- جمعیت شناسی و اقتصاد دوران ازدیاد جمعیت

به نقل از ویلیام استرلینگ (William Sterling) و استفان وایت (Stephen Waite) در کتاب شکوفایی اقتصاد در دوران ازدیاد جمعیت

(Boomernomics) تورم پایین، اشتغال بالا و رونق بازار بورس از جمله مشخصات اقتصاد در دوران ازدیاد جمعیت است، به گونه‌ای که اقتصاد بهتر از این نمی‌توانست باشد. آشکار است که برای ۷۶ میلیون متولد در این دوره که در حال رسیدن به نخستین سال‌های درآمدی‌شان هستند، روزهای خوب پیروی دقیقاً هم اکنون است و در این چشم‌انداز هیچ‌گونه نقطه پایانی وجود ندارد. دوره ازدیاد شمار متولدین تنها و مهم‌ترین پدیده اقتصادی - اجتماعی قرن بیستم است، اما تاثیر کامل آن در دهه‌های بعد مشخص خواهد شد.

۲-۱. از دوران‌های خوب ۲۰ سال گذشته است.

از نظر اقتصادی ۲۰ سال گذشته یا پیشتر، برای جمعیت‌های غرب بسیار ایده‌آل بوده است. رشد اقتصادی پایدار، نرخ‌های بهره و تورم پایین، بازارهای بورس در جهان غرب رونق داشته‌اند و شوک ۱۹۸۷ هم اکنون تنها به صورت یک لحظه (انعکاسی تیز و کوتاه) بر روی نمودارها به نظر می‌رسد. رونق بازارهای بورس و افزایش قیمت مسکن احساس عمومی ثروت را در سراسر اروپای غربی و ایالات متحده اشاعه داده است.

این پدیده گاهی اوقات در ایالت متحده به صورت اقتصاد دوران ازدیاد زاد و ولد تعبیر می‌شود. تصویر نوید بخش توصیف شده توسط استرلینگ و وایت، دو استراتژیست سابق مریل لینچ

توصیف بهتری پیرامون وقایع صورت گرفته در ایالات متحده ارائه می‌دهد. اگرچه عوامل این واقعه را می‌توان در سایر کشورها یافت، اما برخی از آنها قابلیت کاربردی عمومی ندارند. با نگاهی به علوم جمعیتی می‌توان استنباط کرد که دوره ازدیاد جمعیت در اروپا همانند ایالات متحده است حتی این دوره در ژاپن آشکارتر است. بنابراین اگر دوره ازدیاد شمار متولدین مسئول تمامی این وقایع باشد چرا هنوز میزان بیکاری در اروپا بالاست و چرا اقتصاد ژاپن هنوز بهبود نیافته است؟

به رغم اهداف این مقاله مطالعات انجام شده در آن مرتبط با شکل‌گیری یک عقیده آشکار پیرامون این مهم است که چه عواملی مسئول این اقتصاد قوی هستند. اگر نسل دوران ازدیاد جمعیت مسئول باشد پس باید در انتظار عکس این اقتصاد قوی بود، آن هم زمانی که این نسل وارد بازنشستگی می‌شود. اگر سایر عوامل مسئول باشند، جای امیدواری است که این روند قوی ادامه یابد.

در این بخش علل ناشی از شکوفایی اقتصاد ایالات متحده را بررسی می‌کنیم و پیرامون عوامل موثر در اقتصاد دوره ازدیاد جمعیت و اینکه آیا عوامل مشابه در اروپا معتبر هستند یا خیر، به تحقیق می‌پردازیم.

۲-۲ عوامل رونق

به عقیده ما علت برخی از این پیشرفت‌ها به علوم جمعیت‌شناسی بر می‌گردد، اما علوم جمعیتی

تنها عامل ایجاد این رونق اقتصادی نیست. استرلینگ و وایت در اثر خود تحت عنوان "شکوفایی اقتصاد در دوران ازدیاد جمعیت" تاثیرهای فن آوری و جهانی شدن را به عنوان دو عامل مهم دیگر بیان کردند که به ایجاد این سرگردانی در مورد رشد اقتصادی بالا، اصلاحات بهره‌وری بالا تورم پایین، نرخ پایین بهره و بازارهای مالی پر رونق کمک می‌کنند. جالب است بدانید که امروز یعنی دو سال بعد از انتشار اثر این دو نویسنده اصطلاح اقتصاد نوین برای توصیف چیزی به کار می‌رود که به تصور ما مصداقی از رشد بالا و تورم پایین است. همان مسئله‌ای که پیش از این تا حدودی به دوران ازدیاد جمعیت نسبت داده می‌شد.

در اثر مریل لینچ، آگوست ۲۰۰۰، تحت عنوان "معیار سنجش اقتصاد نوین" پیرامون برخی ویژگی‌های این اقتصاد نوین و به روند پیشرفت اروپا به بحث می‌پردازیم و آن را به عنوان معیاری با ایالات متحده مقایسه می‌کنیم.

تغییرات در بازارهای کار، بازارهای سرمایه و مهم‌تر از همه، فن آوری از اقتصاد نوین (Benchmarking the New Economy) مشتق می‌شوند. علوم جمعیتی به طور عام به عنوان یک عامل توضیحی ذکر نمی‌شود اما ممکن است پشت برخی عوامل دیگر واقع شده باشد.

استرلینگ و وایت تاثیر مثبت علوم جمعیت‌شناسی را به عنوان مهم‌ترین عامل در نظر

گرفتند و تاثیر این مهم را به سه روش تقسیم می‌کنند:

۱. پیری نسل دوره ازدیاد جمعیت باعث می‌شود تا این نسل سیاست نسبتاً محافظه کارانه‌ای را در پیش گیرد. در حالی که فعالیتشان نمایان گر نوعی سیاست اقتصادی ساکن (Steady) و شاید راکد (Boring) است. بازارهای مالی هم به نوعی به سمت سیاست‌های اقتصادی راکد گرایش دارند.

۲. این دو نویسنده به این حقیقت اشاره دارند که نسل دوره ازدیاد جمعیت وارد مرحله‌ای از زندگی شده‌اند که تمایل دارند در حرفه مورد نظرشان مشغول به کار شوند و در این زمینه بسیار فعال و کوشا هستند.

به منظور در نظر گرفتن انصاف و قضاوتی عادلانه نسبت به نظریات همکارانمان باید بگوییم که در اقتصاد آمریکا در سال ۱۹۹۸ شواهدی مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاری هنگفت در فن آوری نوین منجر به جهش اساسی در بهره‌وری می‌شود، وجود ندارد. در حقیقت آنها پیش‌بینی کردند که این امر به وقوع خواهد پیوست. اگر اثر "شکوفایی اقتصاد در دوران ازدیاد جمعیت" امروز نوشته شده بود، کاملاً این احتمال وجود داشت که تغییرات فن آوری به سمت جایگاه اول حرکت کند و علوم جمعیتی به عنوان توضیحی برای رونق اقتصادی امروز به مکان شماره ۲ منتقل شود.

اگر این اثر تحت عنوان اقتصاد نوین نامگذاری

می شد، این احتمال وجود داشت که نامی از علوم جمعیتی به میان نیاید.

۲-۳. نسل دوره ازدیاد جمعیت تاثیر آشکاری از خود به جای می گذارد.

نسل این دوره به دلیل تعداد بسیار زیادشان تاثیرهای آشکاری روی اقتصاد باقی می گذارند. ما می توانیم در اکثر کشورهای اروپایی و در آمریکا دوره هایی را تشخیص دهیم که حوادث اقتصادی خاص به وقوع می پیوندند یا تقاضا برای تولیدات یا خدمات خاص سریع تر از حد معمول رشد می کند. در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ زمانی که نسل دوره ازدیاد جمعیت متولد شدند، تقاضا برای محصولات مرتبط با مهد کودک افزایش یافت. به دنبال آن تقاضا برای ورود به مدارس بالا رفت و این امر منجر به کمبود معلم و شلوغی کلاس ها شد. در دهه ۱۹۸۰، تعداد بچه هایی که وارد مدارس شدند دوباره کاهش یافت و این مهم باعث بیکاری معلمان شد.

۲-۴. بیکاری و عرضه کار

از سال ۱۹۷۰ به بعد بیکاری در آمریکا یک معضل شده است. به طوری که تعداد ترک تحصیل کردگانی که وارد بازار کار می شدند، مرتباً افزایش می یافت. گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال (که نمایانگر شرکت کنندگان جدید در نیروی کار است) به کمتر از ۱۱/۶ درصد از جمعیت آمریکا در سال ۱۹۶۵ رسید و در سال ۱۹۸۷ در حدود ۱۷/۹ درصد از جمعیت افزایش یافت. تاثیر نسل دوره ازدیاد جمعیت

بر بیکاری آمریکا را می توان به صورت افزایش بیکاری از ۳/۵ درصد از نیروی کار در سال ۱۹۶۹ به ۹/۷ درصد در سال ۱۹۸۲ احساس کرد. همچنین پس از سال ۱۹۸۲، بیکاری به صورت کاهش در تعداد داوطلبان جدید در بازار کار آشکار شد.

حتی اگر الگوهای جمعیتی در فرانسه، آلمان و آمریکا تقریباً شبیه هم باشند، افت بیکاری بعد از ۱۹۷۸ در فرانسه و آلمان منجر به کاهش تعداد شرکت کنندگان جدید در نیروی کار نشد، حداقل اینکه هنوز این امر به وقوع نپیوسته است. یک نفر با استدلالاتی کاملاً جمعیت شناسی در این زمینه پیش بینی کرده است که کاهش بیکاری در فرانسه و آلمان در حالت سکون قرار دارد.

مقایسه میان آمریکا، فرانسه و آلمان نشان می دهد در کنار عامل جمعیتی ممکن است عوامل دیگری نیز دست اندرکار باشند که بتوانند تفاوت در ازدیاد بیکاری در سه کشور را توضیح دهند. اثر اخیر مریل لینچ تحت عنوان "استراتژی برای اشتغال کامل در اروپا" می تواند در برابر این سؤال توضیح موجهی ارائه دهد، که چرا برخی کشورهای اروپایی مثل هلند و انگلستان از این تغییر جمعیتی سود می ببرند، در حالی که در سایر کشورها مثل فرانسه و آلمان به ندرت کاهش بیکاری دیده می شود.

یکی از نتایج کلیدی آن مطالعه این بود که کشورهایی که در اجرای اصلاحات بازار کار از همه

موفق تر بودند در کاهش نرخ بیکاریشان نیز موفقیت بسیاری داشته اند.

به نظر می رسد نسل دوره ازدیاد جمعیت در دهه های ۷۰ و ۸۰ تاثیر به سزایی بر افزایش بیکاری به جای گذاشته اند. همچنین شواهد اندکی وجود دارد که وقتی نسلی بعد از نسل دوره ازدیاد جمعیت وارد کار می شوند، بیکاری به طور اتوماتیک کاهش می یابد.

۲-۵- رشد دستمزد واقعی

استرلینگ و وایت در اثر خود با عنوان "شکوفایی اقتصاد در دوران ازدیاد جمعیت" به این موضوع اشاره کردند که شمار عمده نسل ازدیاد جمعیت که در دهه ۷۰ وارد بازار کار شدند، برای چندین دهه دستمزدها را کاهش دادند. همانطور که عرضه کار فراوان و ارزان بود، صنعت در آمریکا هزینه سرمایه را کاهش داد و منجر به چیزی شد که بعدها آن را رشد ناپویا (Anarmic growth) (راکد) نام نهادند که میزان آن در مقایسه با ۴ درصد سالانه در دهه ۱۹۶۰ در حدود ۲/۲ درصد سالانه در دهه ۷۰ بود. به راستی تعداد بی شمار نسل های دوره ازدیاد جمعیت که در دهه ۷۰ وارد نیروی کار شدند، باعث شد تا از سال ۱۹۷۰ تا آغاز دهه ۸۰ دستمزدها در آمریکا نسبت به تورم کاهش یابند. در واقع آغاز دهه ۸۰ زمانی بود که مجدداً تحت تاثیر کاهش سریع بیکاری، میزان دستمزدها افزایش یافت.

به هر حال اروپا تصویر متفاوتی نسبت به

آمریکا نشان می دهد. ما حدس می زنیم که نفوذ قوانین کار و قدرت اتحادیه تجاری در بیشتر کشورهای اروپایی باعث توقف در اعمال یکی از اساسی ترین قوانین اقتصادی شد. وقتی عرضه فراتر از تقاضا پیش می رود قیمت عرضه کاهش خواهد یافت که این امر منجر به تقاضای بیشتر می شود. اگرچه بیکاری در آلمان از ۶/۰ درصد از نیروی کار در سال ۱۹۷۰ به ۸/۹ درصد از نیروی کار در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت اما این امر منجر به توقف افزایش سطح دستمزدها نسبت به تورم نشد. همچنین دستمزدها در فرانسه در سطحی بالاتر از تورم در حال افزایش بودند، حتی اگر عرضه فزاینده کار از نسل دوره ازدیاد جمعیت منجر به افزایش بیکاری می شد.

مثال هایی از آمریکا، آلمان و فرانسه نشان می دهند که اقتصاد به طور طبیعی می تواند نسبت به تغییرات جمعیتی واکنش نشان دهد. به هر حال این امر تنها در محیطی که آزادی و انعطاف پذیری اقتصادی و به ویژه انعطاف پذیری بازار کار وجود دارد، به وقوع خواهد پیوست.

۲-۶- پیری جمعیت تغییرات فن آوری و رشد

بهره وری

علاوه بر کاهش نیروی کار، پیری جمعیت منجر به کمهولت نیروی کار می شود که این امر می تواند بهره وری را تحت تاثیر قرار دهد. همان طور که قبلاً بحث شد جهش اسروزی در

رشد بهره وری در آمریکا را می توان با سرمایه گذاری های عمده و اساسی که طی سال های اخیر در زمینه فن آوری صورت گرفته اند، توضیح داد و این اصلاحات مدیون سابقه تجربی و حرفه ای نیروی کاری است که هم اکنون در سن کمهولت به سر می برند.

تئوری های اقتصادی ضد و نقیضی وجود دارند که تاثیر کمهولت سن را بر روی بهره وری توصیف می کنند. در ابتدا یک نفر می تواند تصور کند که نیروی کار قدیمی تر تجربه های بیشتر و در نتیجه بهره وری بالاتری دارد. تجربه کارگران قدیمی و کارآزموده، برای جبران فقدان تحصیلات، لازم است، چنانکه کارگران جوان تقریباً تحصیلات بالاتر و در برخی موارد حتی تحصیلات عالی دارند. همچنین در مقابل تئوری اول، یک نفر می تواند تصور کند که نیروی کار قدیمی تر و کارآزموده تر، کمتر باعث نوآوری و تغییرات فن آوری می شود، کمتر اهل ریسک، جاه طلب و در نتیجه کمتر خلاق و سازنده هستند.

با در نظر گرفتن تمامی جوانب، یادآور می شویم که طی ۲۰ سال گذشته کارگران کهنسال تر، به ویژه کارگران موقت بیکار شدند، این مهم را می توان تا حدودی از طریق انگیزه های قوی دولت در بیکار کردن کارگران کهنسال تر به منظور ایجاد جایگاهی برای کارگران جوان تر طی دوره افزایش بیکاری توضیح داد. توضیح دیگر این که

کارگران کهنسال نسبت به جوانترها پر هزینه هستند. همان طور که شرکت ها تمایل به برکناری کارگران کهنسال دارند، اما به نظر می رسد که هرگونه مزیتی برحسب تجربیات این کارگران در برابر ترکیبی از تاثیرهای ناشی از افزایش دستمزدها و انگیزه های دولتی تاثیر خنثی خواهد داشت.

گذشته از این یک تئوری اقتصادی وجود دارد که نشان می دهد فقدان کارگر، نوآوری یا تغییرات فن آوری را به تحریک و می دارد. زیرا این مهم در جهت جبران کمبود کارگر منجر به اصلاحات بهره وری می شود. هیچ گونه شواهد قاطع و مسلمی مبنی بر اینکه هرگونه تاثیر عمده بر تغییرات فن آوری و رشد بهره وری را بتوان به طور عمده یا انحصاراً به نسل دوره ازدیاد جمعیت نسبت داد، مشاهده نشده است.

آیا نسل دوره ازدیاد جمعیت در حال

پس انداز کردن است؟

امروزه تعداد زیادی از این نسل مشغول به کار هستند. آنها بین ۴۰ و ۴۵ سال سن دارند و فرض بر این است که به نقطه اوج چرخه بهره وری و توان درآمد شغلی شان نزدیک باشند. بچه هایشان خانه را ترک کرده اند و از نظر مالی مستقل هستند، ماشین دیگری برای خود خریده اند و آنها ۲۰ تا ۳۰ سال سن داشتند که وام مسکن شان را تسویه کردند. این طور فرض می شود که آنها هم اکنون در حال پس انداز کردن باشند. این چیزی است که تئوری

پس انداز چرخه زندگی به ما می گوید و همچنین توضیحی است که برای رونق بیش از حد بازارهای بورس آمریکا ارائه می شود. زیرا اینطور به نظر می رسد که پشتوانه این پیشرفت، پس اندازهای نسل دوره ازدیاد جمعیت باشد.

پس اندازها مهم هستند زیرا آنها وجوه لازم برای سرمایه گذاری را تامین می کنند و همین امر منجر به رشد بهره وری می شود. کلیه پس اندازها در اقتصاد تحت عنوان "پس انداز های ملی" نامیده می شوند که شامل پس اندازهای دولتی و خصوصی هستند. این دو نمونه پس انداز کاملاً وابسته به یکدیگرند. برای مثال دولتی را تصور کنید که قصد دارد پس اندازهای بازنشستگی را از طریق القای انگیزه های مالی به تحرک و دارد در این حالت انگیزه های مالی برای دولت هزینه ساز هستند، در نتیجه منجر به کاهش پس اندازهای دولتی می شوند. بنابراین این امکان هست تا کل پس اندازهای خصوصی و دولتی بدون تغییر باقی بمانند و هیچ تاثیری روی کل اقتصاد نداشته باشند. در اینجا شواهدی وجود دارد که انگیزه های مالی به مالیات دهندگان بزرگ تر نسبت به مالیات دهندگان کوچک تر منفعت بیشتری برسانند. در همان زمان، این امکان هست که انگیزه های مالیاتی به منظور پس انداز بیشتر در صندوق های بازنشستگی (برای مثال) مالیات دهندگان بزرگ تر را تشویق می کنند تا پس اندازها را از طرح پس انداز که مالیات

بیشتری می گیرد و از پس انداز کسر می شود به طرح پس اندازی سوق دهد که مالیات کمتری از آن کسر می شود و در این حالت نرخ پس اندازهای خصوصی بدون تغییر باقی خواهند ماند. وقتی محرک مالیاتی هزینه آور باشد، نرخ پس اندازهای دولتی و همچنین نرخ کل پس انداز های ملی کاهش می یابد، که در این صورت هدف افزایش پس اندازها محقق نمی شود.

زمانی که مقیاس های مبارزه با اثر منفی ناشی از پیری جمعیت بر اقتصاد را بررسی می کنیم این مهم را نیز مورد بررسی قرار دهیم که روندهای اخیر در پس اندازهای دولتی برای اکثر کشورهای عضو همکاری اقتصادی و توسعه مثبت بوده است. نظریه اقتصادی سعی در توضیح رفتار پس اندازهای شخصی ندارد. اگرچه این نظریه ها با توجه به هدف اولیه شان در زمینه پس انداز و افق زمانی مرتبط به آن با هم متفاوت هستند، اما هیچ یک از آنها در ارتباط با دیگری حالت انحصاری ندارد.

عام ترین نظریه مورد قبول، نظریه چرخه زندگی است که مبنای آن این است، انگیزه نخستین برای پس انداز یا خرج از پس انداز (پس انداز منفی) در طول زندگی یک نفر، مصرف را هموار می سازد. پول پس انداز شده طی عمر کاری یک نفر برای دوره بازنشستگی استفاده می شود.

دومین نظریه الگوی میراث است که در آن فرض می شود، افراد یک افق زمانی دارند که از یک

پس انداز در سراسر جهان به نظر می رسد. نتیجه این است که یک از نظریه های پس انداز نمی تواند رفتار پس اندازهای فعلی را بیان کنند. توضیحی که در این رابطه می توان ارائه داد، این است که نظریه های پس انداز جریان وجوه نقد را در نظر می گیرند، در حالی که افراد بازده های دارایی و ذخیره دارایی را محاسبه می کنند. مشکلی که در نظریه های پس انداز وجود دارد، این است که خانوارهای هسته ای آمریکا (متشکل از پسر و مادر و فرزند) پس انداز نمی کنند. نرخ پس انداز خانوار در آمریکا طی ۲۰ سال گذشته کاهش یافته و هم اکنون نزدیک به صفر است. همچنین در اروپا شواهد بسیاری مبنی بر تاثیر مثبت نسل دوره ازدیاد جمعیت که در حال رسیدن به نقطه اوج درآمدشان هستند، بر نرخ های پس انداز وجود ندارد.

به پیشنهاد استرلینگ و وایت در اثر "شکوفایی اقتصاد در دوران ازدیاد جمعیت" هجوم نسل این دوره به سمت پس اندازها در آمریکا بازهم پیش روست. آنها سه دلیل ارائه دادند که چرا موج های سنی سرانجام نرخ پس انداز را بالا می برند. آنها پیشنهاد کردند که وقتی منافع حاصل از تامین اجتماعی و مراقبت های پزشکی در آمریکا در زمان های آتی کمتر شود، نرخ پس انداز ضرورتاً بالا می رود. طی گذشت زمان، نسل دوره ازدیاد جمعیت خواهند فهمید که آنها به طور فزاینده ای مجبور هستند تا از سلامت خودشان مراقبت کنند.

نسل فراتر می رود. یک شخص نه تنها مطلوبیت خویش بلکه مطلوبیت والدین و فرزندانش را به حداکثر می رساند. باقی گذاشتن پول برای فرزندان در واقع بخشی از انگیزه برای سرمایه گذاری محسوب می شود. این طسور به نظر می رسد که انگیزه میراث گذاری برای افرادی که ثروت هنگفت دارند و برای دارایی های خاص مثل خانه، حائز اهمیت باشد. سومین نظریه پس انداز به انگیزه های احتیاطی مرتبط می شود. مردم به دلیل ابهاماتی چون ریسک مرگ، هزینه بهداشت یا اختلال درآمدی مثل بیکاری پس انداز می کنند.

ارتباط سه نظریه با تاثیر پیری جمعیت بر اقتصاد این است که این سه نظریه در زمانی که جمعیت به سن کهولت نزدیک تر می شود الگوهای متفاوتی برای پس اندازها و انباشت ثروت ارائه می دهند. نظریه چرخه زندگی فرض می کند که یک فرد طی عمر کاری برای حداکثر انباشت ثروت در زمان بازنشستگی و افت تدریجی این ثروت تا زمان مرگش، پس انداز می کند.

الگوی میراث الگوی مشابهی از پس انداز طی عمر کاری در نظر می گیرد، و ثروت به ارث گذاشته را در دو حالت محاسبه می کند. یکی زمانی که میراثی باقی مانده باشد که این به معنای کاهش نرخ پس انداز هاست و دیگر زمانی که شخص می خواهد ارثیه ای از خود به جای گذارد که این به معنای افزایش نرخ پس اندازهاست. با نگاهی به الگوهای

دوم اینکه آنها نشان دادند که این نسل برخلاف والدینشان نمی توانند مسکنشان را به عنوان وسیله ای برای سرمایه گذاری مناسب در نظر بگیرند و سوم اینکه نسل این دوره به این امر اطمینان ندارد که بازارهای بورس مانند قبل بازده بالایی برای سهامشان ارائه دهد. به طور ضمنی، استرلینگ و وایت در اینجا پیشنهاد می دهند که دلیل کاهش نرخ پس انداز در آمریکا این است که در این کشور ضرورتی برای پس انداز کردن نیست. زیرا بازار بورس بازده بالایی برای سهامشان ارائه می دهد که این امر منجر به افزایش ثروت می شود.

۲-۸. تاثیر نسل دوره ازدیاد جمعیت بر پس اندازهای دولتی

وضعیت مالی در اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال های اخیر بهبود یافته است و هم اکنون حتی در برخی کشورها برای اولین بار طی این گذشت زمانی، مازاد مالی نشان داده شده است. دوره فوق العاده طولانی رشد اقتصادی قوی در دنیای غرب به این روند کمک کرده است و این احتمال هست که یک رکود اقتصادی بتواند به سرعت بخشی از پیشرفت های صورت گرفته را معکوس کند. به هر حال، در کنار یک عامل اقتصادی ادواری، ترازهای مالی از رونق مطلوب جمعیتی سود می برند. کاهش نرخ تولد دامنه رشد در مراقبت های بهداشتی و هزینه تحصیلی را محدود کرده است، در حالی که در همان زمان این طور فرض

می شود که اگر نسل دوره ازدیاد جمعیت امروز نخستین سال های درآمدیشان باشد، این امر تاثیر مطلوبی روی دریافتی های مالیاتی دارد. از طرف دیگر بازنشستگی زودرس به همراه افزایش امید به زندگی مخارج دولتی را تحت فشار قرار داده است. ترازهای مالی در اروپا نیز از افزایش نظم مالی که برای تعدیل منطقه مورد نیاز است منفعت می برد.

در آینده نظم مالی می تواند بسیار پیچیده باشد. بخش عمده ای از تاثیر منفی پیری جمعیت بر رشد اقتصادی ناشی از کاهش پس اندازهای دولتی است، زیرا انتظار بر این است که مخارج دولت در زمینه صندوق های بازنشستگی و بهداشت افزایش یابد. هزینه آموزش تا حدودی می تواند کاهش یابد. زیرا انتظار می رود که شمار بچه ها به عنوان درصدی از کل جمعیت کاهش یابد. به هر حال، به عنوان درصدی از گروه سنی مشغول به کار برای مثال آنهایی که به طور بالقوه مجبور به پرداخت مالیات هستند، مخارج آموزش نسبتاً ثابت باقی خواهد ماند.

۲-۹. خلاصه ای از اقتصاد دوران ازدیاد جمعیت

آشکار است که انتقالات خاصی در اقتصاد وجود ندارد که بتوان آن را به واسطه حرکت نسل دوره ازدیاد جمعیت در سراسر چرخه زندگی اش، توضیح داد. برای مثال، در اینجا برخی شواهد نشان می دهد تعداد عمده ای از این نسل که در دهه های ۷۰ و ۸۰ وارد نیروی کار شده اند، حداقل تا حدودی

مستول افزایش سریع بیکاری در دنیای غرب هستند. همچنین برخی شواهد وجود دارد مبنی بر اینکه در کشورهایی که دارای سیاست های کاری بسیار انعطاف پذیر هستند، افت ناگهانی در تعداد داوطلبان جدید در بازار کار باعث می شود تا بیکاری مجدداً کاهش یابد. از نظر تئوری نسل دوره ازدیاد جمعیت هم اکنون در نخستین سال های پس اندازشان هستند. همچنین از نظر تئوری، پس اندازهای بالاتر باید به واسطه سرمایه گذاری های بیشتر به رشد اقتصادی سود برسانند. طی سال های اخیر رشد اقتصادی به ویژه در آمریکا شدت داشته است. به هر حال، شواهدی وجود ندارد که نشان دهد پس انداز بالاتر در رسیدن به این اهداف کمکی کرده باشد، به طوری که پس اندازهای شخصی در آمریکا کاهش یافته است. ما به این نتیجه رسیدیم که ابداً تضمینی وجود ندارد که تنها نسل دوره ازدیاد جمعیت مسئول استحکام و قدرت اقتصاد و بازارهای بورس باشند. این طور به نظر می رسد که میان ازدیاد جمعیت و برای مثال بیکاری و دستمزدهای واقعی در آمریکا نسبت به اروپا روابط بهتری وجود داشته باشد. اگر در زمانی که نسل این دوره وارد مرحله بازنشستگی می شود، این روابط تداوم یابد، می تواند خبر خوبی برای آمریکا باشد.

این احتمال هست که کاهش نیروی کار در آمریکا منجر به کاهش بیکاری، افزایش رشد دستمزد

واقعی و افزایش مشارکت نیروی کار شود. توصیه ما به اروپا این است که اصلاحات کاری باید شدت یابد. به این دلیل که بازارهای کار در آلمان و فرانسه (برای مثال) واکنش طبیعی در برابر تغییرات عرضه کار در گذشته نشان ندادند، می توان فرض کرد که اگر هیچ گونه اصلاحات عمده در بازار کار اعمال نشود، این روابط در آینده مبهم و یا حذف می شود. پیشرفت های اقتصادی در هلند می تواند مثال جالبی برای اروپا باشد. اصلاحات بازار کار باعث شد تا بازار کار هلند انعطاف پذیرتر و رقابتی تر شود و به صورت طبیعی در برابر تغییرات جمعیتی واکنش نشان دهد: بین سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۵ نسل دوره ازدیاد جمعیت در هلند وارد نیروی کار شدند و تعداد روز افزون آنها (از ۱۳/۷ درصد از جمعیت به ۱۷/۱ درصد از جمعیت) باعث شد تا نرخ بیکاری از کمتر از ۲ درصد به بیش از ۱۰ درصد در سال های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ افزایش یابد. از اواسط دهه ۱۹۸۰ عرضه جدید کارگر به بازار کار رو به کاهش رفته و از ۱۷/۱ درصد از جمعیت به ۱۳ درصد از جمعیت در سال ۲۰۰۰ رسیده است. بیکاری از ۱۰ درصد به ۲/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. جالب این است که تقریباً در همین دوره مشارکت نیروی کار از ۵۶ درصد در ۱۹۸۰ به ۶۶/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت. مثال هلند نشان می دهد که در بازار کار انعطاف پذیر کاهش گروه سنی مشغول به کار به کاهش نرخ

بیکاری کمک می کند و کاهش بیکاری نرخ مشارکت نیروی کار را تحت فشار قرار داده و آن را به سمت بالا حرکت می دهد. نتیجه این بخش این است که اصلاح بازار کار در اروپا باید تداوم یابد. در بازار کار انعطاف پذیر، کاهش در جمعیت سنی مشغول به کار منجر به مطلوبیت بیشتر بازار کار و همچنین کاهش بیکاری می شود و کاهش بیکاری با نفوذ بر نرخ های مشارکت نیروی کار آن را افزایش می دهد.

۳- تاثیر اقتصادی پیری جمعیت

هم اکنون می خواهیم به تاثیرهای آتی پیری جمعیت بر اقتصاد پردازیم و پیرامون نتایج این دو مطالعه اقتصادی که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و انجمن اروپا در زمینه معانی ضمنی اقتصاد کلان در مرحله پیری جمعیت منتشر گردید، به بحث پردازیم. اگرچه هر دو گزارش ماهیت نظری برخی نتایج حاصله را مورد تاکید قرار می دهند، اما آنها شاخص شفافسی از روش های مرتبط با هم ارائه می دهند که حاکی از تاثیر کهنولت سن بر اقتصاد است. خبرخوب این است که این گزارش ها در خصوص اهمیت نسبی آن عوامل یکدیگر را تکذیب نمی کنند. اگرچه ما قصد نداریم پیرامون صحت یا اثربخشی الگوهای اقتصادی انتقاد کنیم و یا به بحث پردازیم اما ضرورت ایجاب می کند تا در به کارگیری این الگوها کاملاً دقت کنیم. اگر به طور کامل موافق فرضیات و داده های اطلاعاتی باشیم و بر این باور باشیم که هرچه اطلاعات نامناسب وارد کنی،

همان اطلاعات نامناسب را دریافت می کنی، می توانیم با داده های مناسب به ستاده های مناسب دست یابیم و از آنها نتیجه گیری کنیم. دو گزارش همچنین شامل محاسبه اثرهای سناریوهای اصلاحی هستند.

روش های اصلی که از طریق آنها اثرهای اقتصاد کلان ناشی از پیری جمعیت عمل می کنند، عبارتند از:

۱. تغییر در نیروی کار

۲. تاثیر افزایش هزینه بازنشستگی دولتی و

بهداشت عمومی بر مالیه عمومی

۳. تاثیر روی رفتار پس اندازهای خصوصی

۴. تاثیرهای ممکن روی بهره وری

مستقیم ترین تاثیر تغییرات جمعیتی از طریق تاثیر نیروی کار صورت می پذیرد. دو تاثیر متفاوت ناشی از علوم جمعیتی را می توان تشخیص داد. اول اینکه حرکت کند رشد کل جمعیت یا یک کاهش احتمالی در این مهم به واسطه افت یا کاهش در نیروی کار منجر به کاهش روند رشد تولید می شود. اگر ساختارهای جمعیتی، مشارکت نیروی کار و بیکاری بدون تغییر باقی بمانند، این امر اتفاق می افتد دوم اینکه افزایش در نسبت وابستگی استانداردهای زندگی را کاهش می دهد، به این دلیل که تولیدات این تعداد اندک نیروی کار باید در میان جمعیت انبوهی توزیع شود. هر دو مطالعه اقتصادی از آغاز تا پایان پیرامون یک موضوع اصلی یا سناریو مرجع که "سیاست های عام تجاری" (Business-as-usual)

است. همچنین در زمینه تاثیر پیری جمعیت بر رشد بهره وری شواهد تجربی ضدو نقیضی وجود دارد از این رو اکثر الگوهای اقتصادی این تاثیر را در نظر نمی گیرند.

۳-۱- الگوهای اقتصادی سناریوهای اصلی

در جهت اتخاذ برخی عقاید درباره تاثیر پیری جمعیت بر اقتصاد و اهمیت زیاد چهار عامل فوق، دو مطالعه اقتصادی را با هم مقایسه می کنیم. اولین مطالعه تحت عنوان "مفاهیم ضمنی اقتصاد کلان ناشی از کهنولت سن در یک بافت جهانی" نامیده می شود که در سال ۱۹۹۸ توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه منتشر شد. دومین مطالعه تحت عنوان "نتایج اقتصادی ناشی از پیری جمعیت، مطالعه تطبیقی میان انگلستان، آمریکا و ژاپن" نامیده می شود که در نوامبر ۱۹۹۹ توسط انجمن اروپا منتشر گردید. ما قصد نداریم همانند الگوهای اقتصادی پیشین و سناریوهایی که دنبال می کردند، خیلی وارد جزئیات شویم، اما روی نتیجه و برخی فرضیات زیربنایی تمرکز می کنیم. در ابتدا به نتایج نگاهی می اندازیم.

۳-۲- گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

در گزارش این سازمان پیش بینی می شود که تولید ناخالص داخلی سرانه طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ در مقایسه با دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ کاهش می یابد، به طوری که برای آمریکا سالانه ۰/۶ درصد و برای

(policies) را فرض می گیرد، عمل کردند. الگوها فرض می کنند که وقتی که جمعیت به سرعت به سمت پیری پیش می رود، هیچ سیاست مشخص و خاصی را نمی توان اعمال کرد. همان طور که اندازه نیروی کار در آینده برای تاثیر پیری جمعیت بر اقتصاد اهمیت بسیاری دارد، تحقیق و تفحص پیرامون این امر که چه فرضیات زیر بنایی با توجه به مشارکت نیروی کار و بیکاری در الگوها به کار می روند، حائز اهمیت است.

دومین تاثیر ناشی از پیری جمعیت بر اقتصاد تاثیر روی مالیه عمومی است که به واسطه افزایش هزینه های بازنشستگی عمومی و مراقبت های بهداشتی صورت می گیرد. این امر الگوهای اقتصادی سیاست های بدون تغییر را در سناریوی اصلی در نظر می گیرند، می تواند بدان معنا باشد که بدهی معسوق به سرعت به سطوح غیرقابل دوامی افزایش می یابد. به منظور محدود ساختن این تاثیر، الگوها بر میزانی که در آن بدهی دولتی افزایش خواهد یافت برخی محدودیت ها را اعمال می کنند. سومین تاثیر پیری جمعیت بر نسبت پس انداز است. اگر رفتار پس اندازها مطابق با فرضیه چرخه زندگی سنتی پیش رود، پیری جمعیت منجر به افت اساسی در نرخ پس اندازها می شود. به هر حال شواهدی مبنی بر حمایت از این فرضیه وجود ندارد و الگوها تنها تاثیرهای محدود، در عین حال منفی، را فرض می گیرند. چهارمین تاثیر روی بهره وری

ژاپن و اتحادیه اروپا سالانه ۰/۴ درصد خواهد بود. همان طور که انتظار می رود نرخ رشد کل جمعیت در آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن کاهش یافت و حتی در ژاپن و اتحادیه اروپا منفی شد ولی کاهش در تولید که به صورت سرانه تعدیل نشده، همچنان بیشتر است. این مطالعه تاثیر منفی کهولت سن بر تولید بالقوه را میان تاثیر اشتغال، تاثیر تغییرات در بورس سرمایه و تغییرات در بهره وری تقسیم می کند. برای آمریکا و ژاپن، تاثیر اشتغال را کم و بیش در حدود ۱۰۰ درصد از کل تاثیرهای بیان می کند به همراه تغییرات در بورس سرمایه و بهره وری که البته تنها تاثیر اندکی در این زمینه از خود به جای می گذارند. تاثیر اشتغال در اتحادیه اروپا دو سوم از کل تاثیر و

یک سوم از تغییرات در بورس سرمایه را به وجود می آورد. همچنین این گزارش تاثیر بر پس اندازها، سرمایه گذاری ها و نرخ بهره را در نظر می گیرد. تاثیرات متناقض بر نرخ بهره عبارتند از افت ناگهانی اقتصادی که منجر به کاهش نرخ بهره می شود، همچنین کاهش پس اندازهای دولتی و خصوصی که منجر به افزایش نرخ بهره می شود. این گزارش نشان می دهد که دومین تاثیر اندکی از اولی بالاتر است، زیرا این امر تا سال ۲۰۵۰ نرخ بهره جهانی را نسبت به درصد تعیین شده قبلی بیش از ۰/۵ افزایش می دهد. نرخ بهره واقعی در اتحادیه اروپا در سناریوی مرجع در حدود ۴/۹ درصد تا سال ۲۰۵۰ برآورد شده است.

جدول ۱. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

نام کشور	متوسط رشد ۱۹۹۹-۲۰۰۰	سناریو مرجع (کهولت سن) ۲۰۰۰-۲۰۵۰	متوسط سناریو و دیفرانسیل میان ۱۹۹۹-۲۰۰۰	تفاوت از تغییرات در اشتغال، بورس سرمایه و بهره وری به وجود می آید		
				بهره وری	بورس سرمایه	اشتغال
ایالات متحده	۱/۷	۱/۱	-۰/۶	۰/۲	-۱/۲	-۰/۱
ژاپن	۱/۵	۱/۱	-۰/۴	۰	-۱/۴	-۰/۱
اتحادیه اروپا	۱/۷	۱/۳	-۰/۴	-۰/۶	-۱/۲	-۰/۱

منبع: سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

۳-۳. گزارش انجمن اروپا

در گزارش انجمن اروپا پیش بینی می شود که تاثیر کهولت سن جمعیت طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰

در اتحادیه اروپا و ژاپن تقریباً مشابه و در آمریکا بسیار اندک باشد. همچنین پیش بینی این گزارش با گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه با در نظر

درصد آن از طریق تغییر در اشتغال ایجاد می شود. برای این سه منطقه تاثیر باقی مانده از طریق تغییرات در بورس سرمایه ایجاد می شود، به همراه این مهم که تغییر در بهره وری تقریباً نزدیک به صفر باشد. این الگو نشان می دهد که رشد اقتصادی در آمریکا در مرحله اول، حداکثر تا سال ۲۰۱۲، به شدت افزایش خواهد یافت، پیش از اینکه از سرعت آن کاسته شود. در حالی که رشد در اروپا و ژاپن از هم اکنون به بعد کاهش خواهد یافت.

گرفتن جزئیات شباهت های بسیاری دارد. به پیش بینی گزارش تاثیر منفی کهولت سن بر رشد تولید ناخالص داخلی برای آمریکا و انجمن اروپا در حدود ۰/۲۱ درصد است که ۸۵ درصد از این تاثیر به واسطه تغییرات اشتغال صورت می گیرد. در این گزارش پیش بینی می شود که تاثیر منفی کهولت سن در اتحادیه اروپا در حدود ۰/۴۳ درصد باشد که ۷۰ درصد آن از طریق تغییرات در اشتغال به وجود می آید. در ژاپن میزان این تاثیر منفی روی تولید ناخالص داخلی در حدود ۰/۴۹ درصد است که ۷۳

جدول ۲. گزارش انجمن اروپا

نام کشور	سناریو مبنا	سناریو مرکزی کهولت سن	تفاوت میان سناریو مرکزی و سناریو مبنا	تفاوت ها از تغییرات در عوامل زیر به وجود می آیند		
				بهره وری	بورس سرمایه	اشتغال
ایالات متحده	۱/۹۲	۱/۷۱	-۰/۲۱	-۰/۱۸	-۰/۰۵	۰/۲
ژاپن	۲/۱۶	۱/۶۷	-۰/۴۹	-۰/۳۶	-۰/۱۲	-۰/۰۱
اتحادیه اروپا	۲/۲۷	۱/۸۴	-۰/۴۳	-۱/۳	-۰/۱۲	۰

منبع: انجمن اروپا

که می تواند انجام شود ارائه می دهند، بلکه چگونگی تاثیر کهولت سن بر اقتصاد را نیز مورد تایید قرار می دهند.

۳-۵. سیاست راهبردی در گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

در اولین سناریو سیاسی فرض می شود که دولت ها در مناطق مهم عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کنترل شدیدتری روی کسری

۳-۴. سناریوهای اصلاحی

سخت ترین مرحله در مقایسه میان این دو گزارش سناریوهای اصلاحی پیشنهادی هستند که تاثیر منفی پیری جمعیت بر اقتصاد را کاهش می دهند. به هر حال، واکنش های سیاسی تشریحی در دو گزارش را در برخی موارد جزئی تر در نظر خواهیم گرفت. زیرا آنها نه تنها شاخصی از چیزی

بودجه اعمال می کنند. در این سناریو نسبت های بدهی دولتی در سطوح برآوردی در آغاز دوره پیش بینی شده ثابت باقی می ماند (یعنی ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی برای ژاپن، ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی برای آمریکا و ۵۷ درصد برای پادشاهی انگلستان) به جای اینکه همانند سناریو مرکزی کهولت سن افزایش یابد، سناریو ثبات بدهی منجر به افزایش رشد مورد انتظار تولید ناخالص داخلی در حدود ۰/۱ درصد سالانه برای هر سه منطقه می شود.

دومین سناریو ثبات بدهی در ترکیب با افزایش سن بازنشستگی است. در سناریو بازنشستگی بعدی، سن قانونی بازنشستگی به تدریج حداکثر تا ۵ سال افزایش می یابد و برای هر سه منطقه به ماکزیمم ۷۰ سال می رسد. تاثیرات بر نرخ مشارکت نیروی کار نیز برآورد شده است. قوانین بدهی با قوانین موجود در سناریو ثبات بدهی مشابه است. این سناریو نرخ رشد را در ژاپن و اروپا ۰/۴ درصد و در آمریکا تا ۰/۲ درصد افزایش می دهد.

سومین سناریو همراه با افزایش نرخ های مشارکت نیروی کار است. فرض بر این است که نرخ پایین مشارکت زنان در ژاپن بین ۳۰ تا ۴۰ سال باشد که این روند به تدریج به گروه های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و ۴۵ تا ۵۰ سال در حال تسری است. همچنین در آمریکا و انگلیس نرخ مشارکت کارگران مسن به تدریج به گروه های سنی مشاهده شده در ژاپن

نزدیک می شود. این مهم بیشترین تاثیر را روی تولید ناخالص داخلی انگلستان می گذارد. همچنین نرخ مشارکت اروپا، به ویژه برای گروه های سنی مسن تر کاملاً کمتر از ژاپن است. سناریو مشارکت نیروی کار بیشتر رشد تولید ناخالص داخلی را تا ۰/۱ درصد برای آمریکا و تا ۰/۴ درصد برای انگلستان افزایش می دهد، اما تاثیر این سناریو در ژاپن تقریباً خنثی است.

چهارمین سناریو، سناریویی است که در آن اصلاحات سیاسی منجر به بهبود بهره وری عامل می شود. به هر حال، گزارش نشان می دهد که بیشتر مقیاس هایی که منجر به هرگونه تاثیر مثبتی در بهره وری می شوند در اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اجرا شده است و تنها می توان در انتظار منافع معمول بعدی بود. رشد در ژاپن تا ۰/۲ درصد و در انگلستان تا ۰/۱ درصد بهبود یافته است. اما اثرات این مهم در آمریکا ملایم تر هستند.

اگر هیچ یک از راه حل های سیاست گذاری به طور جداگانه و منفرد نتوانند اثرهای منفی کهولت سن بر اقتصاد را جبران کنند، شاید ترکیبی از برخی مقیاس های سیاست بتوانند این مهم را انجام دهند. علاوه بر این تاثیر واکنش های سیاست متفاوت به طرز چشمگیری در سراسر مناطق تغییر می کند. در انگلستان و در میزان کمتری در آمریکا مجال قابل ملاحظه ای برای افزایش نیروی کار و اشتغال وجود

دارد، این امر در میان کارگران مسن تر مشهود می باشد. در ژاپن و انگلستان توانش منافع بالقوه اقتصاد کلان در شرایط کارآمدی نیروی کار بسیار است. در هر سه منطقه کنترل شدید مخارج و بدهی دولتی تاثیر مثبتی بر تولید و درآمدها خواهد داشت. با در نظر گرفتن حساسیت های موجود در مناطق متفاوت، پنجمین سناریو مقیاس های پیشین را به صورت یک مجموعه ترکیب می کند. در خصوص بدهی مقیاس ها خالص بدهی دولتی در ژاپن را در سطح برآورد شده در سال ۲۰۰۰ ثابت می کنند و خالص بدهی دولتی در آمریکا و انگلستان را به ترتیب به ۲۳ درصد و ۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی تا ۲۰۲۰ کاهش می دهند و از آن پس به حالت تثبیت باقی می مانند. از سال ۲۰۰۵ سن بازنشستگی به تدریج تا ۵ سال افزایش می یابد. کاهش در بیکاری ساختاری در اروپا تا ۵/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی مورد نظر است. در این سناریو اصلاحات منظمی پیشنهاد شدند که سطح کارآمدی نیروی کار

را تا ۱۰ درصد برای ژاپن تا سال ۲۰۲۰ و تقریباً ۸/۵ درصد و ۲ درصد به ترتیب برای انگلیس و آمریکا تا ۲۰۳۰ افزایش می دهد. کل تاثیر این مقیاس ها یک افزایش در رشد سالانه تولید ناخالص ملی تا ۰/۴۳ درصد برای آمریکا، ۰/۵ درصد برای ژاپن و ۰/۶ درصد برای اروپا است. محاسبات نشان می دهد که ترکیب چندین مقیاس ویژه مورد نظر در منطقه می تواند تاثیر منفی ناشی از کمپولت سن بر اقتصاد را جبران کند. در مورد اروپا سناریو اصلاح دقیق می تواند منجر به رشدی شود که نسبت به تجربیات گذشته این کشور در سطح بالاتری است.

سناریوهای اصلاحی متفاوت بر پیشرفت نرخ بهره واقعی تاثیر می گذارد، به همراه این مهم که سناریو ثبات بدهی بیشترین تاثیر را دارد. در سناریوی اصلاحی ترکیبی، الگو محاسبه می کند که نرخ بهره در انگلستان حتی ۱/۴ درصد از ۴/۹ درصد تعیین شده در سناریوی مرجع کمتر باشد.

جدول ۳. سناریوهای اصلاحی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

نام کشور	ثبات بدهی (۱)	بازنشستگی دیرتر به همراه ثبات بدهی (۲)	مشارکت نیروی کار بیشتر (۳)	سناریو افزایش بهره وری (۴)	سناریو اصلاحات ترکیبی (مجموعه ای از سناریوهای شماره ۲ و ۳) (۴)
ایالات متحده	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰	۰/۳
ژاپن	۰/۱	۰/۳	۰	۰/۲	۰/۵
انگلستان	۰/۱	۰/۳	۰/۴	۰/۱	۰/۶

منبع: سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

۳-۶. راه حل های سیاست گذاری در گزارش

انجمن اروپا

در گزارش انجمن اروپا، تنها سناریوهایی در نظر گرفته می شوند که بار مالی کهنولت سن برای اروپا را کاهش می دهند و سناریوهای سیاست گذاری برای آمریکا و ژاپن را شامل نمی شوند.

اولیسن واکنش سیاست گذاری مرتبط با مقیاس های بودجه ای است. در این سناریو همانند سناریو اصلی کهنولت سن این طور فرض می شود که تعدیل بودجه باید در زمینه مخارج و نه درآمد که منجر به مالیات بیشتر می شود، صورت گیرد. این بدان معناست که اصلاحات گسترده و همه جانبه به ویژه در زمینه بازنشستگی و بهداشت باید اعمال گردد. برآورد الگو این نوع اصلاحات رشد ستالانه تولید ناخالص داخلی را تا ۰/۱۷ درصد افزایش خواهد داد.

دومین راه حل شامل اصلاحات همه جانبه بازار کار است که منجر به افزایش طول مدت عمر کاری (بازنشستگی دیرتر) و در نتیجه افزایش نرخ مشارکت می شود. این اصلاحات موثر می توانند اثر منفی کهنولت سن بر اقتصاد را حذف کنند و به صورت بالقوه رشد ستالانه تولید ناخالص داخلی را تا ۰/۴ درصد افزایش دهند که این امر با نتایج یافت شده در گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تشابه دارد. اگر مجموعه جامعی از اصلاحات در اروپا صورت گیرد و در همان حال نیز مقیاس های بودجه با اصلاحات بازار کار در هم آمیزد، رشد ستالانه تولید ناخالص داخلی می تواند تا ۰/۵ درصد افزایش یابد. در این حالت تاثیر منفی بالقوه کهنولت سن که قبلاً در حدود ۰/۴۳ درصد ستالانه برآورد شده بود، کاملاً جبران می شود.

جدول ۴. سناریوهای اصلاحی انجمن اروپا

سناریو اصلاح جامع	سناریو اصلاح بازار کار	سناریو اصلاح بودجه	نام کشور
۰/۵	۰/۴	۰/۱۷	اتحادیه اروپا

منبع: انجمن اروپا

۲. بدیل های اصلاحی

با بررسی این مهم که چه تعداد اصلاحات لازم است و چه ضروریاتی باید صورت گیرد، خبرهای خوبی می تواند وجود داشته باشد.

۱-۲. پنج دلیل نوید بخش

اول اینکه در بخش دوم دیدیم که اگرچه برخی عوامل شکوفایی می تواند با تغییرات جمعیتی مرتبط باشد، اما عوامل دیگری مانند تغییر فن آوری و

جهانی شدن اقتصاد جهانی را به تحرک و می دارند.

دوم اینکه، بررسی تاثیر بالقوه پیری جمعیت بر اقتصاد ابهاماتی به وجود می آورد. هر دو مطالعه اقتصادی فرض می کنند زمانی که تنش های ناشی از کهنولت سن رو به افزایش می رود، از مداخله دولت ها کاسته می شود. احتمال وقوع این امر صفر است و منصفانه است که فرض کنیم هر دو سناریو به جای اینکه یک سناریوی واقع بینانه ای ارائه دهند، بدترین سناریو را ارائه می دهند.

سوم، زمانی که دولت هیچ گونه اقدامی در این راستا انجام ندهد، برخی مکانیزم های اقتصادی شروع به فعالیت خواهند کرد. بررسی های انجام شده نشان می دهند که هر دو مطالعه اقتصادی در مورد این امر که در حدود دو سوم تاثیر ناشی از پیری جمعیت از تغییر در بازار کار ایجاد می شود، توافق نظر دارند. به هر حال در سناریوهای مبنا، این گونه فرض می شود که بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار بدون تغییر باقی خواهند ماند، که به عقیده ما این فرضیه ای غیر واقعی است. کهنولت سن باعث کاهش نیروی کار می شود و این امر منجر به افزایش بیکاری خواهد شد و از طریق مکانیزم افزایش دستمزدها، نرخ مشارکت را بالا می برد. این امر به ویژه نرخ مشارکت زنان را افزایش می دهد، همچنین ممکن است برخی افراد مسن به دلیل حقوق اندک بازنشستگی و جذابیت دستمزدهای عالی مجدداً وارد نیروی کار

شوند. پیام مهم بخش ۳ این است که ضرورت ایجاد می کند تا بازارهای کار تا حد ممکن انعطاف پذیر باشند. از نظر تئوری کاهش در گروه سنی مشغول به کار باعث کمیابی نیروی کار می شود که این امر بیکاری را کمتر و نرخ مشارکت نیروی کار را بیشتر می کند. به هر حال به عقیده ما در نظر گرفتن فرضیه ثبات در نرخ های بیکاری و مشارکت نیروهای کار برای برخی کشورها بسیار بدبینانه است.

چهارم، دول اروپایی پیش از این به انجام روند اصلاحات اقتصادی مثل اصلاح بازنشستگی مبادرت ورزیده اند، که این امر باید به کاهش کسری بودجه و کل بدهی کمک کند. بدهی ناخالص برای تمامی ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا اگر به صورت جمعی در نظر گرفته شوند، از ۷۲٪ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۶۲٪ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش یافته است و این احتمال هست که از این میزان نیز بیشتر کاسته شود. زیرا اکثر کشورها در حال حاضر روند مازادهای اولیه و کاهش کسری های کل را دنبال می کنند. مهم ترین سؤال این است که آیا در زمانی که پیری جمعیت روش های تامین منابع دولت را تحت فشار قرار می دهند، دولت ها می توانند به تبعیت از پیمان رشد و ثبات ادامه دهند.

آخرین مسئله مرتبط با برخی نکات پیشین است. بیشتر متغیرهای اقتصادی مرتبط با یکدیگر هستند و یک عمل بیشتر از یک عکس العمل می تواند موثر باشد. به عنوان یک مثال، ما قبلاً

یادآور شدیم که اصلاح بودجه مهم است زیرا کپولت سن سیستم های بازنشستگی دولتی را تحت فشارهای عمده ای قرار می دهد. این امر بدون شک منجر به افت بسیار در میزان سخاوت سیستم های بازنشستگی می شود و به این ترتیب می تواند نرخ های جایگزین را پایین آورد. علاوه بر این مشوقی برای بازنشستگی دیرتر نیروی کار و کار طولانی تر خواهد بود. بنابراین اصلاح بودجه به اصلاح بازار کار کمک خواهد کرد و بالعکس. کاهش نرخ های جایگزین همچنین افراد را ترغیب خواهد کرد تا طی عمر کاری خویش بیشتر ذخیره کنند تا به این ترتیب زیان درآمدی شان را جبران کنند. افزایش نرخ پس انداز منجر به افزایش رشد اقتصادی می شود که مجدداً در این حالت اثرات منفی ناشی از کپولت سن تعدیل خواهد شد. به منظور برقراری عدالت و انصاف در سیستم های بازنشستگی کاهش راهکارهای اولیه بسیار بلند نظرانه در سیستم های بازنشستگی حائز اهمیت است. کاهش منافع اولیه بازنشستگی نه تنها هزینه ها را پایین می آورد، بلکه همچنین متوسط سن بازنشستگی و در نتیجه مشارکت افراد مسن را نیز در نیروی کار افزایش می دهد. بنابراین، اصلاحات بودجه و بازار کار وابسته به هم هستند و باید در هم ادغام شوند.

نتیجه حاصل از تمامی موارد مذکور این است که ما ممکن است در میزان مداخله های ضروری مبالغه کنیم. مهم از همه اینکه اصلاحات لازم باید

معرفی شوند. به هر حال اگر موارد صحیح را هدف قرار دهیم مداخله دولت نیز می تواند مکانیزم های بازخوردی بسیاری را که میزان اصلاحات مورد نیاز را کاهش می دهند، به وجود آورد.

۴. سناریو اصلاحی ترکیبی

به عقیده ما جبران تاثیر منفی کپولت سن بر اقتصاد اروپا امکان پذیر است. الگوهای اقتصادی نشان داده اند که ترکیب چندین شقوق اصلاحی از قبیل اصلاحات بودجه و بازار کار می تواند امکان دستیابی به نرخ رشد بالاتر در اروپا را حتی نسبت به تجربه های گذشته این کشور افزایش دهد. در اینجا هیچ مجموعه بهینه ای برای اروپا وجود ندارد، زیرا کشورهای متفاوت در منطقه موقعیت های آغازین متفاوتی دارند. ساختارهای جمعیتی اشتغال بودجه های دولتی و بدهی و همچنین سیستم های بازنشستگی در سراسر منطقه متفاوت هستند و ضرورت ایجاب می کند تا مجموعه های اصلاحی مد نظر قرار گیرند. همچنین برخی کشورهای اروپایی از قبل نسبت به سایر کشورها به پیشرفت های بسیاری دست یافته اند، به همان گونه که در گزارش پیشرفت مریل لینچ در زمینه اصلاح بازنشستگی اروپا در ژانویه ۲۰۰۱ نشان داده شد. ما تنها پیرامون عوامل عام بحث می کنیم و جزئیات خاص کشور را نادیده می گیریم. مجموعه اصلاحات ایده آل شامل عناصر اصلاح بازار کار اصلاح بودجه و مقیاس هایی است که رشد بهره وری و پس انداز

دولتی را تحریک می کنند.

۳-۴ اصلاح بازار کار

موثرترین اصلاح، اصلاح بازار کار است. اعمال میزان دقیق و صحیح اصلاح بازار کار به تنهایی می تواند تقریباً به طور کامل تمامی اثرات منفی پیری بر اقتصاد اروپا را از بین ببرد. به هر حال میزان صحیح اصلاحات تا چه حدی است؟ بنابر فرضیات انجمن اروپا در سناریوی مبنا نرخ مشارکت و بیکاری در سطوح تعیین شده شان در سال ۲۰۰۰ بدون تغییر باقی مانده اند.

به منظور دستیابی به یک اصلاح ۰/۴ درصدی در رشد سالانه در سناریوی اصلاح بازار کار، الگو یک افزایش ۱۰ درصدی را در نرخ مشارکت نیروی کار اتحادیه اروپا در نظر می گیرد. طی دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ نرخ مشارکت نیروی کار ایالات متحده در حدود ۱۱/۵ درصد افزایش یافت، در حالی که این سهم در اتحادیه اروپا در همان سطح پیشین باقی ماند. یک اصلاح ۱۰ درصدی می تواند نرخ اتحادیه اروپا را تنها به سطوح ایالات متحده برساند و ما عقیده داریم که دستیابی به این سهم برای اروپا به خوبی امکان پذیر است.

در اجلاس شورای اروپا که در مارس ۲۰۰۰ در لیزبن تشکیل شده بود، رهبران اروپا به منظور تقویت اشتغال اصلاح اقتصادی و همبستگی اجتماعی به عنوان بخشی از یک اقتصاد بر مبنای آگاهی با یک هدف استراتژیک نوین برای اتحادیه اروپا موافقت

کردند. شورای اروپا موافقت کرد تا به عنوان بخشی از استراتژی اشتغال به افزایش نرخ مشارکت کمک کند و آن را از ۶۱ درصد امروز به احتمال قریب الوقوع به ۷۰ درصد تا ۲۰۱۰ برساند. این گزارش می گوید بسط و توسعه نیروی کار، ثبات سیستم های حمایت اجتماعی را تقویت خواهد کرد. به منظور دستیابی به نرخ های بالای مشارکت نیروی کار لازم است تا طرح های متفاوتی برای کشورهای عضو به وجود آیند. کاهش مشارکت نیروی کار زن و گروه های سنی بین ۵۵ تا ۶۰ سال و ۶۰ تا ۶۵ سال از اهداف مورد نظر در این زمینه به شمار می آیند. اصلاح تامین اجتماعی و بازنشستگی ضروری است و شامل حذف راهکارهای سخاوتمندانه در سیستم اولیه بازنشستگی می شود.

۳-۵ اصلاح بودجه

موثرترین مقیاس بعدی اصلاح در اروپا، اصلاح بودجه است. ما پیش از این نشان دادیم که پیشرفت هایی در زمینه کاهش کسری های دولتی در اروپا مشهود می باشد. همچنین بدهی دولتی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی برای ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا از ۷۲/۲ درصد در سال ۱۹۹۵ به تقریباً ۶۲/۷ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش یافته است.

به هر حال این رقم متوسط این حقیقت را پنهان می سازد که برخی کشورها هنوز به طرز قابل توجهی بالای ۶۰ درصد هستند. بدهی ناخالص یونان

در حدود ۱۰۰ درصد از تولید ناخالص داخلی، ایتالیا ۱۰۶ درصد و بلژیک ۱۰۵ درصد است. سناریوی مبنا در گزارش انجمن اروپا دیدگاه گسترده ای را برای پیمان ثبات و رشد فرض می گیرد و الگو یک قانون ۶۰ درصدی بدهی را اعمال می کند.

در اثر مریل لینچ با عنوان "گزارش پیشرفت اصلاح بازنشستگی اروپا" آمده است که بیشتر کشورها در اروپا در زمینه اصلاح سیستم های بازنشستگی دولتی شان به پیشرفت های بسیاری دست یافته اند اما در این راستا فعالیت های بیشتری می تواند و باید انجام شود. مجموعه ایده آلی از اصلاح بازنشستگی شامل مقیاس هایی چون کاهش اندک در سطح بلند نظری سیستم در کشورهایی که سیستم های بسیار سخاوتمندانه ای دارند مقیاس هایی که راهکارهای بسیار بلندنظرانه را در سیستم های بازنشستگی اولیه کاهش می دهند و معرفی طرح هایی برای ایجاد صندوق خصوصی بازنشستگی می شود.

در نشریات اولیه به این نکته اشاره داشتیم که معرفی طرح های صندوق بازنشستگی به خودی خود نمی تواند مشکل بازنشستگی را حل کند، اما این مقیاس در ترکیب با سایر مقیاس ها می تواند به کاهش این امر کمک کند. معرفی صندوق های بازنشستگی خصوصی اجباری همچنین ممکن است تاثیر مثبتی روی نرخ پس انداز داشته باشد. اصلاح

بازنشستگی در اروپا هنوز به اتمام نرسیده است و بسیاری از کشورهای در حال نبرد با این مشکل هستند. علاوه بر اصلاح بازنشستگی، کنترل هزینه بهداشت نیز حائز اهمیت است. اگرچه بسیاری عقیده دارند که پیری جمعیت بودجه های بهداشتی را تحت فشار قرار خواهد داد. اما در اینجا دو استدلال وجود دارد که چرا می توان این تاثیر را محدود کرد. ابتدا اینکه بخش عمده ای از افزایش برجسته در هزینه های بهداشت مرتبط با افزایش تعداد افراد مسن نیست. این بدان معناست که عوامل دیگری از قبیل اصلاح کیفیت خدمات بهداشتی موثرند. دوم اینکه نه تنها امید به زندگی بلکه امید به زندگی سالم افزایش پیدا خواهد کرد که این بدان معناست که با پیشرفت زمان در آینده هزینه بهداشت برای افراد مسن تر بیشتر خواهد شد.

هـ. رشد بهره وری بیشتر

در اثر مریل لینچ با عنوان مقیاسی برای سنجش اقتصاد نوین که در آگوست ۲۰۰۰ توسط پلام شپتون (Plum Shipton) برنامه ریز و مدیر مریل لینچ منتشر گردید، به این نکته اشاره شد که اروپا در حال حاضر در بازار های کار تولید و سرمایه تغییرات ساختاری به وجود می آورد. این اصلاحات به همراه افزایش های چشمگیر در سرمایه گذاری های تکنولوژیکی و نفوذ فن آوری باید اروپا را در مسیر رشد بیشتر پایدار و بدون تورم در آینده حرکت دهند. شاید این حقیقت با مقاله ارتباط کمتری داشته

باشد که اروپا در بسیاری از شاخص ها به نظر می رسد به آمریکا نزدیک باشد یا حداقل اینکه فاصله کمی میان آنها وجود داشته باشد. پیری جمعیت نیروی کار را کمیاب می سازد که این مهم به ضرر رشد اقتصادی است. اما افزایش بهره وری این زیان را جبران می کند. ما بر این باور نیستیم که این تغییرات همانطور که در گزارش مذکور بحث و اندازه گیری شدند، به هر طریقی با مشکل پیری جمعیت مرتبط هستند. حقیقت این است که این تغییرات به وقوع می پیوندند و آنها باید منجر به افزایش بسیار در نرخ رشد اقتصادی اروپا در آینده شوند، زیرا که رشد اقتصادی بالا تاثیر پیری جمعیت را بر اقتصاد محدود می کند.

۶- افزایش پس انداز

علاوه بر افزایش پس انداز دولتی و کاهش کسری های دولتی، افزایش پس اندازهای خصوصی از قبیل پس اندازهای شخصی حائز اهمیت است. این امر می تواند شامل معرفی صندوق های بازنشستگی خصوصی در کشورهایی باشد که فاقد این گونه صندوق ها هستند. همچنین پوشش و میزان پس انداز را در کشورهایی که چنین صندوق هایی دارند، افزایش دهند. پس انداز خصوصی و پس انداز دولتی با هم مرتبط هستند و هر مقیاس برای افزایش پس اندازهای خصوصی نباید منجر به کاهش معادل در پس اندازهای دولتی شود. مردمی که می خواهند پس انداز کردن را آغاز کنند، باید با ضرورت انجام

این کار آشنایی داشته باشند. بنابراین درک کامل این مهم برای مردم حائز اهمیت است که وضعیت بازنشستگی شان چگونه به نظر می رسد و به چه طریقی تحت تاثیر اصلاحات واقع می شود. این مهم از لحاظ سیاسی آسان نیست، زیرا دولت ها دوست ندارند که نشان دهند از چه چیزی اجتناب می کنند و ترجیح می دهند این مسئله را پنهان کنند. معرفی بیانیه های سالانه در زمینه منافع مورد انتظار بازنشستگی برای هر کارگر یا شهروندی که در سن کاری است، می تواند برای مبارزه با این معضل مفید واقع شود. در این لحظه، نسل دوران ازدیاد جمعیت در چرخه زندگی اش در مرحله درآمدی بالایی قرار دارند و فرض بر این است که آنها در این مرحله اندوخته بسیاری پس انداز می کنند. همان طور که قبلاً دیدیم نسل دوره ازدیاد جمعیت پس انداز نمی کند، بنابراین لازم است تا دولت در این مرحله به آنها کمک کند و آنها را تشویق کند که تا حد امکان پس انداز کنند. در واقع پیام اصلی این است که پس انداز بیشتر امروز مشکل پیری در آینده را کمتر خواهد کرد. بسیاری از ناظران عقیده دارند یکی از مهم ترین دلایلی که نسل دوره ازدیاد جمعیت پس انداز نمی کند، افزایش قیمت دارایی است. به طوری که این امر ضرورت پس انداز برای ایجاد درآمد در دوره بازنشستگی را مرتفع می کند. عکس این استدلال این است که در زمانی که بازده بازار دارایی کمتر از انتظارات باشد، نسل دوره ازدیاد

ولزگان کلیدی:

صندوق بازنشستگی حقوق بازنشستگی سیستم های
بازنشستگی بازارهای کار انعطاف پذیر، اصلاحات بازار کار.

جمعیت برای دوره بازنشستگی اش دوباره پس انداز می کند. علاوه بر افزایش پس اندازها اطمینان از استفاده موثر از پس اندازها در داخل و در میان مرزها حائز اهمیت است. زیرا که این مهم در واقع به معنای تقویت زیر ساخت مالی و حذف موانع برای ورود جریان سرمایه بین المللی است. همان طور که سن جمعیت در کشورها متفاوت است، نرخ های پس انداز سرمایه گذاری و رشد اقتصادی نیز می تواند متفاوت باشد که این امر منجر به جریان های عمده سرمایه میان کشورها و مناطق می شود. جریان آزاد سرمایه برای اطمینان از تخصیص موثر سرمایه ضرورت دارد، زیرا به طور عام ورود سرمایه به مناطقی که شدیداً به آن احتیاج دارند باید منجر به رشد اقتصادی بالاتر شود. داخل مرزها، بازارهای سرمایه موثر با محدودیت های کم برای سرمایه گذاری های بازنشستگی باید از بازده سرمایه گذاری آن صندوق ها بهره مند شوند. تنوع پرتفلیو (سبد دارایی) در شرکت ها و همچنین در پرتفیلوهای سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی می تواند در اقتصادهای جوان و به طور عمده در حال توسعه تاثیر منفی بر بازده پرتفلیو را کاهش دهد.

منبع:

The Geneva papers on Risk and Insurance

Vol. 26 No.4. October 2001